

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عمل صالح در نهج البلاغه

بعد از آیات قرآن کریم، آنچه در تبیین بحث عمل صالح به ما کمک خواهد کرد، بیانات امیر مؤمنان علی علیه السلام می باشد؛ جایی که مجسمه‌ی تمام نمای صلاح و صالحین، در مورد عمل صالح سخن می گوید. نهج البلاغه منبع ارزشمندی است که در ادامه‌ی بحث، به بررسی بیانات علی علیه السلام در این کتاب شریف پرداخته خواهد شد.

یکی از این سخنان، خطبه‌ی ۶۴ نهج البلاغه با موضوع « فی المبادرة الی صالح الاعمال » (مبادرت ورزیدن و جدیت داشتن در انجام عمل صالح) می باشد که مکمل بحث ما در « تشویق به عمل صالح » خواهد بود:

« فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ »^۱

امیر مؤمنان علی^(ع) که خود در اوج تقوی قرار دارد، همه‌ی بندگان خدا را خطاب قرار داده و می فرماید: « ای بندگان خدا! تقوی خدا را پیشه کنید. »

« وَ بَادِرُوا آجَالِكُمْ بِأَعْمَالِكُمْ »

« آجال » جمع « آجل » و به معنای آخر و سر رسید عمر می باشد. لحظه‌ای که بلافاصله پس از آن

مرگ رخ خواهد داد. از این رو به خود مرگ هم، آجل گفته می شود.

^۱ . شروع خطبه با لفظ «ف» نشان می دهد، آنچه در نهج البلاغه آمده بخشی از کل خطبه بوده و قسمتهای ابتدایی سخنان حضرت آورده نشده است. (زیرا هیچگاه کلام با «ف» آغاز نمی شود) «سید رضی» در نگارش نهج البلاغه فقط سخنانی از امیر المؤمنین^(ع) را که از نظر وی در اوج فصاحت و بلاغت بوده، جمع آوری کرده و در بعضی از خطبه‌ها نیز فقط بخشی از کلام امام^(ع) را آورده است. کتاب دیگری در تکمیل نهج البلاغه نوشته شده که قسمتهای محذوف در آن آمده است.

امام^(ع) توصیه می‌فرمایند، قبل از آنکه مرگ و اجل به سراغ شما بیاید، شما به واسطه‌ی اعمالتان، به سوی اجلتان بشتابید و نگذارید یک مرتبه و بدون انتظار و آمادگی، عمرتان به سر آید.

و به تعبیر دیگر، همواره خودتان را برای مرگ آماده کنید، که راه این آمادگی، عمل صالح است.

به همین جهت مسئله‌ی مرگ برای صالحین واقعی و بندگان مؤمن خداوند، کاملاً حل شده است، و تفاوتی نمی‌کند یک لحظه‌ی دیگر و یا چند سال دیگر، اجل آنها فرا رسد.

خود علی^(ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: به خدا سوگند، برای پسر ابی طالب تفاوت ندارد که مرگ به پیشواز او بیاید یا او خودش به پیشواز مرگ برود.

در جای دیگری از نهج البلاغه علی^(ع) می‌فرماید:

«وَلِلَّهِ لَأَبْنِ أَبِي طَالِبٍ أَنَسٌ بِالْمَوْتِ مِنَ الطِّفْلِ أُمَّه»

به خدا قسم، علاقه‌ی پسر ابی طالب به مرگ از علاقه‌ی طفل به مکیدن پستان مادرش بیشتر است.

مرگ اگر مرد است گویش من آی تا در آغوشش بگیرم تنگ تنگ

از آیه‌ی ۶ سوره جمعه می‌توان استنباط کرد، آرزوی مرگ، ویژه‌ی اولیای الهی است. در این آیه خداوند خطاب به یهود می‌فرماید:

«قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ»

اگر از اولیای خداوند هستند، آرزوی مرگ کنید. بنابراین آرزوی مرگ، از خصوصیات اولیاء الله می‌باشد. تمنی مرگ به معنای طلب مردن نمی‌باشد، بلکه یعنی آنها از مرگ نمی‌هراسند و مسئله‌ی مرگ

برایشان حل شده است. آنها خود را به طور کامل در تَوَلّی خداوند می‌دانند، بنابراین این دنیا و یا دنیای دیگر تفاوتی نمی‌کند.

در سرگذشت بسیاری از بزرگان، این حالت دیده می‌شود. آیت الله سعادت‌پرور^(ره) می‌فرمودند
من هر شب خودم را برای مرگ آماده می‌کنم. اگر رفتم که هیچ، اگر ماندم فردا را از نو شروع خواهم کرد.

اگر به ما خبر بدهند چند روز دیگر از دنیا خواهیم رفت، چه تغییری در اعمال و رفتار ما ایجاد خواهد شد. اولیاء الهی همیشه و هر روز این گونه‌اند.

آنچه امیر المؤمنین علی^(ع) در این خطبه می‌فرماید، همین است. اعمالتان را به گونه‌ای انجام دهید که همیشه برای مرگ و رسیدن اجل آماده باشید.

« و ابْتَعُوا مَا يَبْقَى لَكُمْ بِمَا يَزُولُ عَنْكُمْ »

آنچه که برای شما باقی است را با پرداخت آنچه زائل می‌شود، بخرید.

دنیا و مال دنیا همه زائل شدنی و از بین رفتنی است. آنها را بدهید و به ازای آن نعمتهای

اخروی و کمالات معنوی که پایدار و باقی است، بخرید.

« وَ تَرَحَّلُوا فَقَدْ جُدَّ بَكُمْ »

آماده‌ی کوچ شوید، که بانگ رحیل بر شما زده‌اند. ما هر قدر هم که در دنیا زندگی کنیم و

عمرمان هر قدر که باشد، حتی ۹۰ سال بالاخره باید از این دنیا برویم و به سرای دیگر کوچ کنیم. امام

علی^(ع) هشدار می‌دهد که از همین حالا آماده‌ی کوچ باشید. «جُدَّ بَكُمْ» معنای ظریفی دارد. گاهی

کاروانی در یک محلّی اطراق می‌کند. بعد از مدتی استراحت، بانگی زده می‌شود و آماده‌ی حرکت می‌شوند. این عبارت نیز می‌گوید شما با جدّیت نهیب زده شده‌اید. اینجا که آمده ایم جای ماندن نیست، هر لحظه باید آماده‌ی حرکت باشید.

« اسْتَعِدُّوا لِمَوْتٍ فَقَدْ أَظْلَكُمُ »

تعبیر بسیار جالبی است. خود را برای مرگی آماده کنید که بر شما سایه افکنده است. اینطور نیست که مرگ به ما نزدیک می‌شود. بلکه با گذر عمر قسمتی از ما می‌میرد.

از کلمات امام علی^(ع) در کتاب «غرر الحکم و درر الکلم» که:

« العُمر انْفاسٌ مُعَدَّةٌ »

عمر انسان از نفس‌های شماره شده، تشکیل شده است.

هر مقدار از عمر ما می‌گذرد، در واقع قسمتی از وجودمان کم می‌شود. گذر عمر، فقط سپری شدن زمان و لحظات نیست، بلکه خودمان هستیم که در حال سپری شدنیم. اگر وجودمان را تقسیم کنیم، هر لحظه که می‌گذرد، قسمتی از این وجود از دست رفته است.

لذا امام علی^(ع) در این خطبه، به انسانها هشدار می‌دهد که مراقب این گذر زمان باشید و خودتان را برای مرگی که بر شما سایه افکنده است آماده کنید.

« و کونوا قوماً صبیحاً بهم، فانتبهوا »

مثل گروه و افرادی باشید که فریاد بلند و بانگ رحیل به آنها زده شده است، پس بیدار شوید.

چگونه انسانی که خواب است و ناگهان با صدایی بلند او را از خواب بیدار می‌کنند، از جا کنده

و بلند می شود، همانگونه از خواب غفلت بیدار و آماده باشید.

امام علی (ع) با این جملات تشویق به بیداری قبل از مرگ می‌کنند. آن حضرت در روایتی،

زندگی عموم مردم را به خواب تشبیه می‌کنند که با مرگ، بیداری رخ می‌دهد:

« النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهَوْا »

عموم مردم در خواب هستند، هنگامی که می‌میرند، بیدار می‌شوند. لذا در این خطبه از نهج

البلاغه هشدار می‌دهند قبل از آنکه با مرگ و بالاجبار از خواب غفلت بیدار شوید، خودتان به هوش

آیید.

منظور از خواب در اینجا، یعنی غفلت. همه‌ی ما در غفلتیم. گاهی ما به پایین‌تر از خودمان نگاه

کرده و آنها را غافل می‌دانیم. در حالی که این نگاه اشتباه است، خود ما هم در غفلتیم.

با توجه به این عبارت « صیح بهم »، انبیاء و اولیای الهی، بر سر انسان‌ها فریاد برمی‌آورند که

بیدار شون، از خواب غفلت برخیزند و ببینند که به چه چیزی مشغول هستند. عمرشان را در چه راهی

صرف و هزینه می‌کنند

تکلیف ما در این دنیا چیست؟ آیا باید از کارهای روزمره دست بکشیم؟

وقتی به آفرینش خداوند دقت می‌کنیم، ما ناگزیر از این زندگی دنیوی هستیم. باید بخوریم،

بخواییم، شغل داشته باشیم، امرار معاش کنیم و ... آیا باید از اینها دست کشید؟ خداوند ما را برای زندگی

در این دنیا آفریده است و این زندگی، ملزومات خود را می‌طلبد. پس تکلیف چیست؟

آری، ما باید همین کارهای روزمره‌ی زندگی را برای خدا انجام دهیم. لازم نیست برنامه‌های

جدیدی اضافه کنیم. خداوند از ما می‌خواهد همین امور زندگی دنیوی را برای او انجام دهیم. برنامه‌های عبادی هم در کنار آنها گذاشته شده است.

وظیفه‌ی ما فقط انجام کارهای عبادی نیست. نمی‌شود فقط نماز خواند و روزه گرفت. بلکه نگاه ما به امور دنیوی باید نگاه عبادی باشد. اینکه اهل آخرت شویم، نه به این معناست که امور دنیوی را تعطیل کنیم، بلکه باید کارهای دنیایی را با نگاه عبادی و اخروی انجام دهیم.

اگر این تغییر نگرش در ما ایجاد شود، اغلب کارهای روزمره‌ی ما واجب خواهد بود.

« و علموا أَن الدُّنْيَا لَيْسَتْ لَهُمْ بَدَارٌ »

از افرادی باشید که علم پیدا کرده‌اند که دنیا، خانه‌ی همیشگی آنها نیست.

ایجاد چنین نگرشی در انسان، بدون مقدمه ایجاد نمی‌شود. اینکه ما گوشه‌ای بنشینیم و منتظر

باشیم به عنایت خداوند نگرش ما به جهان عوض می‌شود، کار باطل و بیهوده است.

راه ایجاد این نگرش را امام علی^(ع) در ابتدای همین خطبه فرمودند. راه آن عمل صالح است.

عمل صالح زمینه سازی می‌کند تا ذهنیت انسان نسبت به دنیا تغییر کند. آن وقت است که زندگی انسان رنگ و بوی دیگری خواهد گرفت.

حالا که متوجه شدید این دنیا، خانه همیشگی نیست، پس: «فَاسْتَبْدِلُوا»، یعنی در فکر تبدیل این

خانه، به خانه دیگری باشید که ماندنی است، و آن معنویت است (چه در این دنیا، چه در آخرت) و یا

نگرش و ذهنیت خودمان را نسبت به دنیا، عوض کنیم.

«فَإِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ لَمْ يَخْلُقْكَ عَبْتًا»

زیرا خداوند شما را عبث و بی هدف نیافریده است. بلکه خلقت شما برای هدف خاص بوده است.

خداوند در قرآن کریم، سوره ی ذاریات آیه ۵۶ هدف از خلقت را این چنین معرفی می کند:

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»

هدف از خلقت، عبودیت و معرفت حضرت حق می باشد.

«وَلَمْ يَتْرُكْكُمْ سُدًى»

و خداوند شمارا بیهوده و بدون هدف رها نکرده است.

«وَمَا بَيْنَ أَعْدِيكُمْ و بَيْنَ الْجَنَّةِ إِلَّا النَّارُ إِلَّا الْمَوْتُ أَنْ يَنْزَلَ بِهِ»

و بین شما و بین بهشت یا جهنم، جز مرگی که به سراغ شما بیاید فاصله ای نیست.

ما با اختیار خود به این دنیا نیامده ایم و در ادامه ی راه، دو مسیر بیشتر وجود ندارد. یک راه

منتهی به سعادت خواهد شد و راه دیگر به شقاوت. اگر ما به فکر سعادت خودمان نباشیم، لحظه به لحظه

به سوی شقاوت در حال حرکت خواهیم بود که در نهایت به جهنم منتهی خواهد شد.

تصور اغلب ما این است که بهشت و جهنم بعداً خواهد آمد. در حالی که ما همین الان و در هر

لحظه به واسطه ی اعمال خوب و یا بدمان داریم بهشت و جهنم خود را شکل می دهیم. بهشت ما به

واسطه عمل صالح ما ساخته می شود.

بین ما و بهشت و جهنمی که به واسطه ی اعمالمان همین الان در حال ساخت آن هستیم

فاصله های جز مرگی که به سراغ ما می آید، نیست.

«وَأَنَّ غَايَةَ تَنْقُصِهَا اللَّحْظَةَ، وَ تَهْدِمُهَا السَّاعَةَ لَجَدِيرَةٍ بِقَصْرِ الْمُدَّةِ»

ما به سوی یک غایت و نهایی در حال حرکت هستیم که لحظه‌ها زمان رسیدن به آن را کم میکند و ساعات این مدت را از بین میبرد.

آن نهایت، مرگ است که لحظه به لحظه زمان رسیدن به مرگ، کوتاه‌تر و کوتاه‌تر می‌شود. هر نفسی که می‌کشیم، به مرگ نزدیک‌تر می‌شویم.

«ساعة» در لغت عرب به همان معنای لحظه می‌باشد.

حالا که این گونه ما به مرگ نزدیک و نزدیک‌تر می‌شویم، شایسته است انسان مدت و مهلت خودش را کوتاه ببیند و بیشتر مراقب باشد که این فرصتی را که در اختیار دارد چگونه استفاده کند.

«و اِنْ غَايَةً يَحْدُوهُ الْجَدِيدَانِ: اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ لَحَرِيٌّ بِسْرَعِهِ الْاَوْبَةِ»

«حدی» آواز و فریادی است که شتر را با آن می‌خوانند. «اوبه» به معنای بازگشت و یا همان توبه می‌باشد.

هر روز و شبی که سپری می‌شود، ما به آن غایت و نهایت که مرگ است نزدیک‌تر شده و فرصت ما محدود می‌شود. گذر شب و روز مثل فریادی است که به ما هشدار و بیدار باش می‌دهد که در توبه و بازگشت به سوی خداوند، عجله کنیم و فرصت‌ها را از دست ندهیم.

امام علی^(ع) به ما هشدار می‌دهد، مراقب باشیم و توبه را به تأخیر نیندازیم. تا فرصت هست،

گذشته خویش را محاسبه و سپس توبه کنیم.

یک نکته قابل توجه در روایات این است که هیچ‌گاه نسبت به گذشته، هر قدر هم که زشت و

تاریک باشد، ذره‌ای نومی‌د القاء نمی‌گردد و فقط صحبت از حال و آینده و مغتنم شمردن

فرصت هاست. هیچ جا نداریم که انسان نسبت به بدبختی‌های گذشته‌ی خود، توقف کند. بلکه همواره روی توبه برای جبران گذشته تاکید شده است.

«وَإِنْ قَادِمًا يَقْدُمُ بِالْفَوْزِ أَوِ الشَّقْوَةِ لَمْسْتَحَقُّ لِأَفْضَلِ الْعُدَّةِ»

شایسته است انسانی که به سمت رستگاری و یا شقاوت در حال حرکت است، با بهترین توشه به سراغش برود.

درست است که سرنوشت ما دست خداست و خداوند به آن آگاه است ولی خداوند سرنوشت ما را به دست خودمان می‌نویسد. لذا علم خداوند با اختیار ما منافاتی ندارد. خداوند به آنچه که ما با اختیار خودمان انجام خواهیم داد، علم دارد. لذا ما با اختیار خودمان سعادت و شقاوت خود را رقم می‌زنیم، ما لحظه به لحظه داریم خودمان را می‌سازیم. پس باید مراقب باشیم که چه می‌کنیم و چه می‌سازیم.

«فَتَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا»

از دنیا برای دنیا توشه بردارید.

این همان است که قبلاً بیان شد. ما باید به کارهای دنیوی خود، رنگ و بوی خدایی بدهیم.

از کلمات علی^(ع) است که: «مَنْ نَظَرَ بِهَا بَصَرَتَهُ». هرکس که با دقت به دنیا بنگرد و از دریچه دنیا،

خدا را بنگرد و از نعمتهای دنیوی برای خدا بهره بگیرد، همین دنیا موجب بصیرت باطنی او خواهد شد.

ولی «مَنْ أَبْصَرَ فِيهَا أَعْمَتَهُ» هرکس که فقط به دنیا چشم بدوزد، دنیا او را کور خواهد کرد.

بنابر این دنیا، ابزاری است که خداوند در اختیار ما قرار داده تا در راه او و برای تحصیل رضای

او استفاده کنیم، که در این صورت دنیا موجب بصیرت و هدایت باطنی انسان خواهد شد. بنابراین دنیا فی نفسه بد نیست، بلکه چگونگی بهره‌وری ما از دنیا مهم است. اگر از نعمتهای دنیوی استفاده بهینه کنیم و در جهت تحصیل رضای خدواند از آنها بهره ببریم، دنیا خوب است. در غیر این صورت همین دنیا انسان را کور باطن خواهد کرد.

«ما تَحْرُزُونَ بِهِ أَنْفُسِكُمْ غَدًا»

«حرز» به چیزی گفته میشود که به وسیله آن اطراف چیزی را بپوشانند و در محافظت قرار

دهند، به نحوی که از آسیب محفوظ بماند.

امام^(ع) می‌فرماید برای فردایتان چیزی بردارید که به وسیله آن بتواند وجودتان را حفظ کنید. و یا

به تعبیر دیگر نفس و روح خودمان را در حرز قرار دهیم تا از آسیب شیطان و هوای نفس در امان بماند

و امواج شیطانی نتواند در آن نفوذ کند.

این حرز، همان عمل صالح است که به واسطه‌ی آن می‌توان روح و نفس را حفظ کرد. ما به

همین میزان خطبه بسنده میکنیم.

وقتی در این جملات و دیگر سخنان نورانی امیر مومنان علی^(ع) در نهج البلاغه دقت می‌کنیم، در

می‌یابیم چنین سخنانی را فقط و فقط از ائمه‌ علیهم السلام می‌توان سراغ گرفت.

اگر ما به دنبال اثبات حقایق علی^(ع) باشیم، توجه به بیانات ایشان و مقایسه‌ی آن با گفتههای

دیگران برای این امر کافی است.

این سخنان آنچنان از فصاحت و بلاغت در گفتار و استدلال در بیان برخوردار است که بسیاری

از محققین، بیان چنین جملاتی را از فردی در آن تاریخ و در جامعه‌ی عرب محال دانسته اند!
حتی اگر ما به حقانیت خلفای سه‌گانه کاری نداشته باشیم، آیا می‌توان یک جامعه‌ی اسلامی را
بعد از پیامبر^(ص) با عقاید و گفته‌های آنها، پی‌ریزی کرد. کسی که حتی بیان خطبه‌های نماز جمعه برای
او مشقت بسیار داشت!

آیا در قرآن کریم خداوند نمی‌فرماید: «هل یستوی الدین یعلمون والذین لا یعلمون؟» آیا علم
علی^(ع) را که در سخنان و گفته‌های او نمایان است می‌توان با علم دیگران مقایسه کرد؟ و آیا اینها با
مساوی و برابرند؟!

حتی لازم نیست خیلی در معانی جملات علی^(ع) دقیق شویم. تفاوت آن قدر زیاد است که ظاهر
جملات نیز حقیقت را آشکار می‌سازد. امیرمومنان بدون هیچ مقدمه‌های خطبه‌ی مفصلی با معارف عمیق
می‌خواند بدون آنکه از حرف الف در کل خطبه استفاده شده باشد. و یا خطبه‌ی مفصل دیگری بدون
آنکه از حروف نقطه دار استفاده کرده باشد. از نظر معنا هم این بیانات آنقدر عمیق و پر مغز است که بعد
از قرن‌ها، عرفا و فلاسفه افتخار می‌کنند که موفق به فهم قسمتی از این بیانات شده‌اند. توحیدی که در
کلام علی^(ع) طرح شده است، هنوز برای علمای ما حرف‌های جدیدی دارد.
البته ما هم به سهم خودمان به علی^(ع) ظلم کرده و می‌کنیم، زیرا این بیانات پر محتوا در دسترس
ماست ولی کمتر از آن بهره می‌بریم.

امیدواریم که با عنایت الهی، بتوانیم بهره بیشتری از معارف عظیم نهج البلاغه و دیگر بیانات

ان شاء الله

امیرمومنان علی^(ع) ببریم.